

مقاله پایانی ۱

نظم و انضباط کاری از منظر نهج البلاغه

معصومه روزدار^۱

چکیده

تأثیر نظم و برنامه‌ریزی در زندگی تأثیر و اهمیت نظم در زندگی انسان، انکارناپذیر است. در اسلام نیز نکته‌های ارزشمندی در این‌باره وارد شده است. این نگاشته با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیلی کارکردهای نظم اجتماعی در جامعه را از منظر امام علی(علیه السلام) اقدام کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش اعتماد و همبستگی اجتماعی، ارتقاء اخلاق اجتماعی در حوزه انضباط کاری، گسترش قانون‌گرایی در جامعه، اتقان در عمل و مداومت در به سرانجام رساندن امور از مهم‌ترین کارکردهای نظم اجتماعی در جامعه اسلامی از دیدگاه امام علی است. اهمیت این مسئله در آن است که نظم زندگی را سامان می‌بخشد و بی‌نظمی مایه از دست رفتن فرصت‌های گرانبها و طلایی می‌شود و افراد در عمل ناکام می‌مانند و انسان بی‌نظم به دلیل سستی و تنبلی در بهره‌جستن از فرصت‌ها عمر خود را به بطالت از دست می‌دهد و بی‌نظمی موجب پشیمانی و حسرت خواهد شد و به همان اندازه که نظم مایه استحکام و انسجام و احتیاط در عمل می‌شود بی‌نظمی، مایه سستی و کوتاهی در عمل است و کسی که از سستی اطاعت می‌کند حقوق خود و افراد جامعه را ضایع و تباه می‌سازد.

کلید واژه‌ها : نظم، انضباط، آثار، کارکرد.

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه فاطمیه خوزستان masoumeh7227@gmail.com

مقدمه

بخش عظیمی از دستورات و سفارشات قرآن کریم در راستای تنظیم اندیشه و اعمال انسان است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «إلا انّ فيه علم ما ياتي و الحديث عن الماضي و دواء دأئکم و نظم ما بینکم؛ آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد (نادانی و گمراهی) و نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است.» آفرینش بر اساس نظم استوار است و در دستگاه خلقت، هر پدیده‌ای جای خاصی دارد و ماموریت و کار ویژه‌ای به عهده دارد. کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند، فصول سال و گذشت شب و روز نظم خاصی دارد و خلقت اشیا از اندازه، حدّ و میزان خاصی برخوردار است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم.»

حکمت خداوندی در هر چیز تجلّی یافته و موجودات عالم نیز روی حساب و نظم دقیق و نیز بر اساس هدف معینی قدم به عرصه هستی نهاده‌اند. یک اصل مهم در زندگانی اهل بیت (علیه السلام)، اصل نظم و انضباط است. دقیقاً همان موضوعی که حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) در واپسین ساعات عمر شریفش بدان سفارش نمود:

«أَوْصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرِكُمْ»

شما و همه فرزندان و عیال و هر که را نامه‌ام به دست او برسد سفارش می‌کنم به تقوای الهی و رعایت نظم در کارهایتان.

نظم، مایه پیشرفت کارها، رشد دهنده و تعالی بخش هر امری و موجب ترقی آن‌ها است. از این رو حضرت امیر (علیه السلام) به نظم اهمیت ویژه‌ای داده است. فقدان نظم و انضباط شخصی باعث کاهش عزت نفس و اعتماد به نفس می‌شود. اینکه افراد از اعتماد به نفس پایین رنج می‌برند دلایل زیادی دارد و یکی از آنها این است که در زندگی‌شان، در جایی که باید باشند نیستند. افراد در تمام مدت، به ویژه در ابتدای سال برای خود هدف‌هایی تعیین می‌کنند اما در ماه دوم یا سوم دوباره به عادت‌های قدیمی باز می‌گردند و اهدافشان را فراموش می‌کنند. بیشتر مردم به این دلیل در زندگی شکست می‌خورند که آنچه برای موفقیت لازم است را انجام نمی‌دهد. لذا ضروری است انسان برای رسیدن به سعادت و خوشبختی و دستیابی به اهداف خود با نظم برنامه ریزی مناسبی داشته باشد تا موفق شود. این تحقیق ضمن بررسی معنای

لغوی و اصطلاحی نظم به جایگاه آن در آموزه های اسلام پرداخته و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان می کند.

با جستجو در سایت های اینترنتی، برخی پژوهش ها با موضوع نظم و انضباط یافت شد، که هر یک به جنبه هایی از موضوع پرداخته اند. برخی از این پژوهش ها عبارتند از: پایان نامه « ویژگی ها و مصادیق نظم فردی از منظر قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) نوشته ی علی اصغر مستوری نژاد، مقاله ی « درآمدی بر مفهوم نظم مراتب و آثار آن از منظر نهج البلاغه » نوشته ی مجید معارف و مقاله ی « تئوری های انضباط اخلاقی » نوشته ی عبدالحسین خسروپناه. لازم به ذکر است در هیچ یک از این پژوهش های انجام شده، آثار نظم و انضباط کاری از نظر قرآن و نهج البلاغه به طور جامع مورد بررسی قرار نگرفته و لذا موضوع این پژوهش، نو و جدید می باشد.

از این رو در این مقاله به سراغ آیات قرآن و کلام امام علی (علیه السلام) در کتاب شریف نهج البلاغه در زمینه نظم و انضباط می رویم و به بررسی آثار آن می پردازیم.

۱- معنای لغوی نظم و انضباط

«نظم» در لغت به معنای آراستن، بر پا داشتن، ترتیب دادن کارو در اصطلاح نظامی به معنای پیروی کامل از دستورهای نظامی است.^۱

انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سامان پذیری و آراستگی است.^۲

معنای اصطلاحی نظم

را می توان با عنوان وضعیتی تعریف کرد که چگونگی رخ دادن یا حاصل شدن یک رویداد یا نتیجه را در هماهنگی عناصر مرتبط شرح می دهد.^۳

^۱ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

^۲ مصطفوی، التحقيق، ج ۲، ص ۳۴.

^۳ همان، ص ۱۲۳.

معنای اصطلاحی انضباط کاری

انضباط کاری یعنی سامان پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب، و پرهیز از هرگونه سستی و بی سامانی در کار. این امور از عمده ترین آداب اخلاق اداری است و هیچ سازمانی و نظامی بدون رعایت این امور راه به جایی نخواهد برد. بهترین سازمانها و نظامها با زیر پا گذاشته شدن اصل انضباط کاری، به تباهی کشیده می شوند و همه وجوه مثبت آنها نیز بی ارزش می گردد. تواناترین مدیران و کارگزاران و کارکنان در یک مجموعه اداری که اصل انضباط کاری بر آن حاکم نیست، توفیقی کسب نخواهد کرد و جز اتلاف نیرو بهره ای نخواهد برد.

انضباط کاری اقتضا می کند که هر کاری در زمان خودش انجام شود و هیچ امری به وقت دیگر سپرده نشود. امیرمؤمنان (علیه السلام) در عهد نامه مالک اشتر به او مکرر سفارش کرده است که به گونه ای عمل نمایید که انضباط کاری حفظ شود.^۱

بخش عظیمی از دستورات و سفارشات قرآن کریم در راستای تنظیم اندیشه و اعمال انسان است. امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «الا انّ فیه علم ما یاتی و الحدیث عن الماضي و دواء دائکم و نظم ما بینکم؛ آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد (نادانی و گمراهی) و نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است».^۲

امیرمؤمنان (علیه السلام) که بارها نتایج زیانبار بی نظمی و تشتت را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده، می فرماید: «اوصیکما و جمیع اهلی و ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم؛ شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم».^۳

^۱ . مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۰۰.

^۲ . آمدی، شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۴۰۰.

^۳ . مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲- جایگاه نظم در آموزه‌های اسلام

اسلام دینی فطری است و راستی نیز خواست فطرت است، پس این دو پیوندی ناگسستنی دارند و در روایات اسلامی با تعبیر گوناگونی بر راستگویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و تدبیر به حساب آورده‌اند.^۱

در سراسر جهان هستی قانون صداقت و صراحت و حقیقت ساری و جاری است. هر چند به حسب ظاهر در عالم هستی تضادها و تعارضهایی دیده می‌شود ولی بی‌نظمی در طبیعت اصلاً وجود ندارد. اصولاً حقایق ناب را در طبیعت و هستی باید جستجو کرد و از زبان آفرینش باید شنید. مگر جز این است که تمام قوانین علمی و فلسفی برداشتی است نسبی از جهان هستی و قوانین حاکم بر آن و طالبان حقیقت (چه آنها که از دریچه عرفان به عالم می‌نگرند و چه آنان که در راستای علم و تجربه یا فلسفه و برهان گام بر می‌دارند) همه و همه در اسرار هستی می‌اندیشند و از آن الهام می‌گیرند و جز با هستی و قوانین حاکم بر آن سر و کاری ندارند؟ خداوند متعال نیز از طریق آیات آفاق و انفس ما را به حقایق عالم رهنمون می‌شود که می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ...»^۲ ما آیات و نشانه‌های خود را در آفاق و انفس به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنها آشکار شود که [آنچه محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده] عین حقیقت است ...»

خلاصه کلام آنکه بنای خلقت و طبیعت بر نظم استوار است.^۳

نظم و انضباط در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، امیرمؤمنان (علیه السلام) که بارها نتایج زیانبار بی‌نظمی و تشتت را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخوانده، می‌فرماید: «وَصِيكُمَا وَ جَمِيعَ أَهْلِ وَ وَلَدِي وَ مِنْ بَلْغَةِ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شَمَا رَا (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»^۴

۱ همان، ص ۲۱۱.

۲ فصلت - ۵۳.

۳ مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳ ص ۲۰۵.

۴ الطباطبائی، السید عبد العزیز، «فی رحاب نهج البلاغة»، ج ۲، ص ۲۸۸.

(با توجه به اینکه امام سالیان درازی تدریس می کردند، هر روز در همان لحظه ای که باید، جهت تدریس حاضر می شدند و سر ساعت حضور می یافتند.)

امام علی علیه السلام می فرماید: «أَنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصَّدْقِ وَ لَا أَعْلَمُ جَنَّةَ أَوْ قِيٍّ مِنْهُ؛ وَفَا قَرِينَ نَظْمٍ اسْتَوْفَى مِنْ سِپَرِ نَگَه دَارِنْدَه تَر از وَفَايِ الْهِيِّ بَرَايِ جَلُوگِیْرِی از عَذَابِ الْهِيِّ سِرَاغِ نِدَارَم.»^۲

۲- آثار اجتماعی

بخش دیگر از آثار صدق به آثار اجتماعی آن مربوط می شود و این در وقتی است که افراد جامعه در مسیر راستی و حقیقت گام بردارند. در این خصوص نیز آثار مختلفی قابل ملاحظه است که اهم آن به قرار زیر است:

۲-۱- جلب اعتماد دیگران

مهم ترین تأثیر اجتماعی که نظم از خود به یادگار می گذارد مسأله جلب اطمینان و اعتماد در همکاری های دسته جمعی است.

می دانیم اساس زندگی انسان را کار گروهی و دسته جمعی تشکیل می دهد و بدون آن هیچ کار مهمی پیش نمی رود. ولی کار گروهی هنگامی امکان پذیر است که افراد گروه نسبت به یکدیگر اطمینان کامل داشته باشند، و اعتماد و اطمینان در صورتی حاصل می شود که صداقت و امانت و نظم در میان آنها حاکم باشد.

فردی که زندگی، رفتار و حتی فکرش را منظم کرده و به این ویژگی پسندیده، آراسته شده است، الگوی مؤثری برای دیگران بوده، از همین راه آنان را به اجرای نظم و انضباط در کارها و خواهد داشت.^۳

یک مؤسسه اقتصادی اگر فقط در معرفی یک نوع از کالاهایش دروغ بگوید و یا بدون نظم و انضباط کار کند مردم نسبت به تمام فرآورده های او بدبین می شوند، و طرفداران و مشتریان خود را به زودی از دست می دهند.

^۱ . نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱.

^۲ . الطباطبائی، السید عبد العزیز، «فی رحاب نهج البلاغه»، ص ۱۰۰.

^۳ . مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص: ۲۱۲.

در مدیریت‌ها اگر مدیر در گفتار و رفتار خود صادق نباشد، نظام و انضباط مدیریت او از هم متلاشی می‌شود.

به این ترتیب به اینجا می‌رسیم که پایه و اساس هر گونه پیشرفت معنوی و مادی در اجتماع اعتماد متقابل برخاسته از نظم است.^۱

لذا در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «النَّظْمُ صَلَاحٌ كُلُّ شَيْءٍ نَظْمٌ سَبَبُ إِصْلَاحٍ هَرَّ شَيْءٍ نَظْمٌ»^۲.

۲-۲- جلوه‌گیری از حق الناس

رعایت نکردن نظم، موجب پایمال شدن حقوق افراد و ستم بر آنان است. کسی که کارهای مردم را به تأخیر می‌اندازد و به بعضی اجازه می‌دهد که ساعت‌ها وقتش را بگیرند، در نتیجه فرصت ملاقات با دیگران و انجام کارشان را از دست می‌دهد و نمی‌تواند به موقع جهت تدریس در کلاس درس، جهت انجام کار در محل کار و غیره حضور یابد. چنین فردی به دلیل بی‌نظمی در کارها، حقوق دیگران را پایمال کرده و به آنان ستم روا داشته است. امیر مومنان علیه‌السلام بی‌توجهی به حقوق دیگران را از جمله دلایل تنهایی و بی‌یاوری انسان معرفی می‌کند: مِنْ دَلَائِلِ الْخِذْلَانِ الْإِسْتِهَانَةُ بِحُقُوقِ الْإِخْوَانِ [دلایل [تنهایی و] دوری انسان از دیگران، سبک‌شمردن حقوق برادران دینی است و امام صادق علیه‌السلام آن را موجب پستی و خواری انسان می‌داند: تَرَكُ الْحُقُوقِ مَذَلَّةٌ پایمال کردن حقوق دیگران سبب خواری انسان است.^۳

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با عنوان نظم و انضباط کاری از منظر نهج البلاغه به این موضوع پرداخت که نظم در زندگی باعث آرامش و اعتماد به نفس شده و موجب سعادت‌مندی انسان می‌شود. لذا ضرورت دارد انسان با توجه با تاکیدات اسلام به این امر توجه داشته و برنامه خود را بر مدار نظم قرار دهد. به گفته روانشناسان: «احتیاج به نظم و ترتیب، جزء احتیاجات اساسی روانی محسوب می‌گردد، رنگ و شکل و خاصی به زندگی می‌دهد. افراد میل دارند زندگی فردی و

^۱ . استادی، رضا، کتابنامه نهج البلاغه، ص ۱۵۹.

^۲ . آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۸۱.

^۳ -ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ص ۲۵۸.

جمعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی درآورند». اسلام نیز به عنوان دین جهانی و کامل به نظم و برنامه ریزی در زندگی اهمیت فراوان داده و به پیروان خویش سفارش کرده که تمام کارهای خود را طبق قانون و به صورت منظم انجام دهند و از بی برنامه‌گی بپرهیزند. چرا که تمام احکام اسلامی؛ واجبات، مستحبات، محرمات، مکروهات و... در این راستا و در جهت برنامه دقیق و منظم دادن به مسلمانان قرار داده شده که آنان را تحت نظم خاصی درآورد. یافته‌های موجود نشان می‌دهد که نظم در زندگی فردی و اجتماعی باعث اعتماد به نفس و دقت در عمل و خوشبینی دیگران به انسان می‌شود و همچنین استفاده بهینه از وقت و زمان و برکت عمر هم از آثار نظم می‌باشد.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحديد، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷ ش.

۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.

۳. استادی، رضا، کتابنامه نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ ش.

۴. آمدی، عبدالواحد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۵. شوشتری، محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.

۶. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

۷. الطباطبائی، السید عبد العزیز، «فی رحاب نهج البلاغه»، تراثنا، شماره ۲۹، شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة ۱۴۱۲ ق.

۸. عبده، محمد، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعة الاستقامة، بی تا.

۹. قمی، عباس، سفینه البحار، تهران: فراهانی، ۱۴۰۲ ق.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۱۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت: دار الکتاب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۲ ش.

۱۴. یوسفیان، نعمت الله، اخلاق اسلامی، قم: معارف، ۱۳۸۹ ش.

منابع دیجیتالی:

۱. <http://fa.tabrizi.org/gheybat//۱۷/۰۷/۱۳۸۹>

۲. <http://wikifeqh.ir>